

## دو ترجمه سرائیکی ناشناخته از رباعیات خیام و نقد و بررسی آنها

رضا مصطفوی سبزواری

چکیده:

این مقاله محصول مطالعاتی است که بر روی ترجمه‌های رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری به زبان سرائیکی صورت پذیرفته است. این ترجمه‌ها که اغلب از روی نسخه‌های معتبر فارسی و یا ترجمه‌های انگلیسی رباعیات است و به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) برگردان رباعیات خیام به نظم

ب) برگردان رباعیات خیام به نثر همراه با شرح و توضیح. لازم به توضیح است زبان سرائیکی که در بخش مولتای پاکستان تکلم می‌شود از نظر فرهنگی دارای غنای ویژه‌ای است و حدود ۱۴ میلیون نفر به این زبان سخن می‌گویند.

شبه قاره پاک و هند همواره جایگاه و پایگاه زبان و ادب فارسی بوده و بسیاری از متون معتبر این زبان بارها در آن دیار تصحیح و چاپ و انتشار یافته و بسیاری متون ارزنده زبان فارسی نیز با همت عالمان و عارفان و شاعران آن خطه پهناور و بارآور خلق و ابداع گردیدیم و متنهای بسیاری شعر یا نثر

نیز به زبانهای گونه‌گون رایج در آن سرزمین، منظوم یا منثور برگردانیده شده‌است، به گونه‌ای که می‌توان با توجه به شواهد موجود گفت: کمتر متن معتبر و مهمی در زبان فارسی وجود داشته که به یکی از زبانهای شبه قاره پاک و هند ترجمه نشده باشد و در این میان بعضی متون فارسی چندین بار به برخی زبانهای شبه قاره برگردانیده شده‌است. مثلاً تا سال ۱۳۵۰ ش کتاب کشف المحجوب هجویری پانزده بار، دیوان حافظ بیست و دوبار و گلستان سعدی بیست و نه بار و مثنوی مولانا جلال‌الدین و همچنین رباعیات خیام هر یک هجده بار فقط<sup>۱</sup> به اردو ترجمه شده‌است که بی شک پاره‌ای از ترجمه‌ها نیز در این آمار<sup>۲</sup> نیامده‌است. جای نهایت شگفتی است که گاه شهرت و آوازه بعضی شاعران ادب فارسی و آثار آنان به استناد نسخه‌های خطی و آثار ترجمه شده آنها در شبه قاره بیش از حد تصوّر بوده است.<sup>۳</sup> از جمله همین متون ترجمه شده زبان فارسی در شبه قاره رباعیات حکیم ابوحفص یا ابوالفتح غیاث‌الدین عمر بن ابراهیم خیامی نیشابوری<sup>۴</sup> معروف به حکیم خیام است. که پژوهشهای خیام‌شناسی در شبه قاره هند و پاکستان البته بجز نسخه‌های خطی موجود و چاپ متن اصلی رباعیات و یا چاپهای گوناگون آن و نیز به غیر از کتابهای تحقیقی مستقل دربارهٔ خیام و رباعیات او، شامل دو دسته زیراست:

الف - برگردان رباعیات خیام به نظم.

ب - برگردان رباعیات خیام به نثر همراه با شرح و توضیح.

۱- این آمار فقط برای زبان اردو و بجز آثار فارسی ترجمه شده به زبانهای دیگر شبه قاره است.

۲- ر.ک: ترجمه‌های متون فارسی به زبانهای پاکستانی تألیف اختر راهی از انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، مقدمه کتاب.

۳- برای نمونه مراجعه شود به مقاله مفصل نگارنده با عنوان: «عطار در هند» در مجله نامه پارسی سال اول شماره اول تابستان ۱۳۷۵.

۴- نام کامل خیام، بر اساس تحقیق استاد همایی در مقدمه طربخانه است. ر.ک: طربخانه از انتشارات انجمن آثار ملی ۱۳۴۳ - تهران، ص ۳.

ما در این مقدمه فقط به نمونه‌هایی از دو دسته اخیر اشارت می‌کنیم.

الف: نمونه‌های دسته اول عبارت است از:

نذر خیام: ترجمه منظوم رباعیات خیام از راجا مکهن لال در سال ۱۲۶۰ (ه) شامل ۳۲۳ رباعی که ظاهراً نخستین ترجمه اردوی رباعیات خیام محسوب می‌گردد.  
تاج الکلام: از لایق حسین قوی امروهوی شامل ۷۶۴ (!!) رباعی خیام به نظم، چ دهلی، مطبع شاه جهانی.

خم خانه خیام: از افسر الشعراء، آغا شاعر قزلباش (م ۱۳۶۰ه) با ترجمه حدود دویست رباعی به صورت اردو چاپ دهلی ۱۳۴۶ (ه).

ترجمه منظوم: از سید شاه محمد در سده چهاردهم هجری قمری.

ترجمه منظوم: از واقف امروهوی چاپ دهلی ۱۳۸۰ ه

مقام خیام: ترجمه منظوم رباعیات خیام از عبدالرحمان طارق چاپ لاهور، مکتبه نواز، ۱۳۷۱ (ه).  
می دو آتش: ترجمه منظوم رباعیات خیام شامل شصت و سه رباعی خیام و برهمان وزن از سید کاظم علی شوکت بلگرامی (م ۱۳۴۲ ه). این ترجمه از ترجمه انگلیسی وین فیلد<sup>۱</sup> استفاده شده و هر رباعی خیام در قالب قطعه و دو بیت از عبدالحمید عدم (م ۱۳۹۸). این کتاب در مکتبه ما حول در سال ۱۳۸۰ (ه) در کراچی انتشار یافته است.

خیمه کی آس پاس: ترجمه منظوم ۷۵ رباعی خیام از میراجی از روی ترجمه انگلیسی ادوارد فیتز جرال<sup>۲</sup> است که این ترجمه انگلیسی در سالهای ۶-۱۳۷۵ و مجدداً ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است و ترجمه اردوی آن در سال ۱۳۸۴ (ه) در لاهور به چاپ رسیده و پروفسور جیلانی کامران بر آن دیباچه نوشته است:

ب: اما ترجمه به نثر و شرح رباعیات خیام نیز بارها در شبه قاره انجام گرفته است که نمونه‌هایی از آنها به شرح زیر است:

1- Whin field

2- Edward Fitzgerald

خم خانه خیام: ترجمه و شرح رباعیات خیام همراه با شرح احوال شاعر و شعر او از سید احمد علی حسینی نشتر شادانی رامپوری است که به سال ۱۳۵۶ (ه) در لاهور انتشار یافته است. رباعیات عمر خیام: وسیله محشر نقوی از روی ترجمه انگلیسی به اردو برگردانیده شده و همراه با ترجمه انگلیسی فیتز جرالدر در مطبع اعظم حیدرآباد دکن به سال ۱۳۶۵ (ه) انتشار یافته است. باده گلفام: ترجمه به نثر از محمد سعید شیدا همراه با زندگینامه، چاپ لاهور، تاج بک دپور(س.ن).

رباعیات حکیم عمر خیام: با شرح و ترجمه و نقد آنها از جلال الدین احمد جعفری زینبی اله آبادی وسیله تاج بکدپور(س.ن) در لاهور انتشار یافته است.

میکنده خیام: شرح و ترجمه دیگری از رباعیات خیام است که وسیله محمد محمود شادان رانپوری و مفتی محمد مظهر جلیل شادانی در سال ۱۳۵۳ (ه) با تجدید نظر سید اولاد حسین شادان بلگرامی به انجام رسیده و در سال ۱۳۵۴ (ه) وسیله شیخ مبارک علی در لاهور چاپ شده است.

میکنده خیام یعنی رباعیات خیام: ترجمه و شرح نسیم که به سال ۱۳۸۸ در لاهور انتشار یافته است و بالاخره از میان ترجمه‌ها و شرح‌های رباعیات خیام می‌توان به ترجمه و شرح امام‌الدین چاپ لاهور(س.ن) ترجمه و توضیح محمد نذیر چاپ پیشاور به سال ۱۳۸۴ (ه) اشاره کرد.

اما از رباعیات خیام دو ترجمه به زبان سرائیکی وجود دارد یکی از آنها می‌گلفام نام دارد که ترجمه منظوم سرائیکی رباعیات عمر خیام است و وسیله دکتر مهر عبدالحق به انجام رسیده و به سال ۱۹۷۳ در ملتان پاکستان انتشار یافته است. و دومی شاهکار نام دارد که عبدالعزیز نشتر غوری به سال ۱۹۷۱ میلادی از رباعیات خیام به زبان سرائیکی به انجام رسانیده است، البته پیش از نقد و بررسی ترجمه‌های منظوم سرائیکی رباعیات خیام لازم است مقدمتاً درباره زبان سرائیکی توضیحی داده شود.

زبانی که در منطقه‌های مرکز پاکستان شامل شهرهای: میان والی، رحیم یارخان، بهاول نگر، مولتان، مظفرگره، بهلر، لیه، دیره اسماعیل خان، دیره غازی خان و شهرستانهای بالای ایالت سند سالها رواج داشته، امروزه به نام سرائیکی شهرت دارد که البته تا سال ۱۹۶۳ با نامهایی مانند:

ملتان، بهاولپوری، اوچی، دیره وال و همچنین سرائیکی معروف بوده است و پس از کنفرانس ملتان در سال ۱۹۶۳ با همکاری دو انجمن ادبی به نامهای «بزم ثقافت ملتان» و «مجلس ادبی سرائیکی بهاولپور» در اجلاسی چنین به تصویب رسید که همه زبانهای منطقه جنوبی پنجاب به نام سرائیکی خوانده شود.

سرائیکی از مهمترین زبانهای محلی پاکستان محسوب می‌گردد که حدود پانزده میلیون تن با این زبان تکلم می‌کنند و این در حالی است که مردم پنجاب آن را یکی از گویشهای زبان ملی خود یعنی پنجابی محسوب می‌دارند.<sup>۱</sup>

در دوره اسلامی پس از اینکه سند و ملتان در سال ۹۲ (ه) به دست مسلمانان فتح گردید، مورخان و پژوهشگران دوره اسلامی همه جا از این زبان به عنوان زبان سندی یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup> شادروان پیر حسام‌الدین راشدی نیز آن را یکی از چهارگوش سندی دانسته که مردم ناحیه شرقی سند و بهاولپور به آن سخن گویند.<sup>۳</sup>

برای گسترش و پیشرفت زبان سرائیکی انجمن‌هایی به نام «انجمن ادبی سرائیکی» در شهر بهاولپور، «مجلس ادبی سرائیکی ملتان»، بزم ثقافت ملتان دائرگردید و کتابها و مقاله‌های زیادی درباره ادب و فرهنگ و مردم و تاریخچه زبان سرائیکی انتشار داد؛ درباره وجه تسمیه «سرائیکی» دانشمندانی مانند پروفسور دلشاد کلانچوی اظهار نظرهایی کرده‌اند<sup>۴</sup> و از جمله محقق گرانمایه ایرانی ابوریحان بیرونی آن را مأخوذ از «سوتیرا»<sup>۵</sup> دانسته است که زبان منسوب به آنجا به

---

۱- ر.ک. پایان‌نامه آقای C.SHAKALE تحت عنوان: سرائیکی زبان مرکزی پاکستان به زبان انگلیسی.

۲- احسن‌التقسیم فی معرفة الاقالیم از مقدسی، مروج‌الذهب از مسعودی المسالک و الممالک ابن حوقل.

۳- ر.ک. «سندی ادب» تالیف پیرحسام‌الدین راشدی.

۴- ر.ک. سرائیکی دور اسکی نثر، دلشاد کلانچوی ۱۹۸۲.

۵- منطقه‌ای در جنوب غربی ملتان پاکستان است.

«سویراکی» شهرت داشته و به مرور زمان به سرائیکی تغییر یافته است.<sup>۱</sup> ادبیات سرائیکی نسبت به زبانهای دیگر پاکستان غنی و پر بار است و دلیل آنهم وجود عارفان و صوفیان و الامقامی از جمله بهاءالدین زکریاسهروردی ملتانی، شمس الدین سبزواری، جلال الدین بخارایی و غیره بوده است. ادبیات سرائیکی از سده هفتم هجری رشد بیشتری داشته و اشلوک (= اقوال) فریدالدین گنج شکر<sup>۲</sup> از نمونه‌های این بالندگی محسوب می‌گردد.<sup>۳</sup>

یکی از مضامین ادبی شعرا و نویسندگان سرائیکی که البته با سبکی هنرمندانه هم بیان گردیده، مرثیه‌سرایی آنها در وصف حضرت سیدالشهدا امام حسین (ع) است و بدین جهت باید آنان در مرثیه‌سرایی سرآمد شاعران شبه قاره محسوب داشت<sup>۴</sup>، این موضوع یعنی وجود آثار منظوم و منثور شاعران سرائیکی درباره مرثیه‌سرایی و مصائب شهدای کربلا مورد تأیید دیگر پژوهشگران و از جمله پروفیسور دلشاد کلانچوی نیز بوده است.<sup>۵</sup>

از شاعران مشهور زبان سرائیکی می‌توان فریدالدین گنج شکر<sup>۶</sup>، مولوی عبدالکریم، علی حیدر، لطف علی، سچل سرمست، حافظ جمال الله، شاه مراد، منشی غلام حسین شهدا، خواجه فرید، جمل خان لغاری، مادهولال حسین و پس از خواجه فرید که باید او را نماینده طراز اول شعر سرائیکی دانست، شاعرانی مانند: بهار ملتانی، عاشق ملتانی، مضطر ملتانی، خرم بهاولپوری را باید یادکرد و از شاعران معاصر سرائیکی نیز می‌توان از خلیق ملتانی، حسن رضا گردیزی، نقوی احمد پوری، ریاض

۱- به نقل دلشاد کلانچوی در سرائیکی او راسکی نثر، ۱۹۸۲.

۲- ر. ک. مقاله نگارنده با عنوان: اسرارالاولیا و بابا فرید، مجله تحقیقات فارسی-بیاض سال چهارم شماره ۲، ژوئیه-۱۹۸۴ - دهلی.

۳- ر. ک. کتاب «زبان سرائیکی، زبان مرکزی پاکستان تألیف» سی شیکل ص ۸ به بعد.

۴- مآخذ پیشین.

۵- ر. ک. سرائیکی اوراسکی نثر، دلشاد کلانچوی، ۱۹۸۲.

۶- ز. ک. مقاله نگارنده، مذکور در پاورقی شماره (۱۳).

رضوی، صدیق طاہر، اقبال سوکری و جانباز جتوئی یادکرد.

ادبیات منثور سرائیکی نیز درخور توجه است که ترجمه اشعار فارسی به زبان سرائیکی هم در میان آنها دیده می‌شود و از جمله این نویسندگان سرائیکی می‌توان پروفیسور دلشاد کلانچوی را یادکرد که غزلیات غالب دهلوی را به نثر سرائیکی ترجمه کرده و دیگری دکتر مهر عبدالحق از ادبای بنام سرائیکی است که قرآن مجید را به زبان سرائیکی برگردانیده و یکی از کارهای با ارزش دیگر او ترجمه رباعیات خیام به زبان سرائیکی است.

می‌گلفام ترجمه منظوم رباعیات خیام به زبان سرائیکی است که دکتر مهر عبدالحق برای نخستین بار در سال ۱۹۷۳ در ملتان پاکستان چاپ و منتشر کرد. در این ترجمه ۳۱۳ رباعی خیام با ترتیب حرف قافیه نقل گردیده و سپس ترجمه هر رباعی به صورت منظوم در زیر هر رباعی خیام آمده است.

مترجم ابتدا پیشگفتاری تحت عنوان پیش لفظ آورده که در آن به زندگینامه خیام پرداخته و ۱۳ کتاب از معروفترین آثار منسوب به او را ذکر کرده است.

مترجم سرائیکی رباعیات خیام ظاهراً از وسواسی علمی برخوردار بوده و از اینکه نتوانسته نسخه قابل اعتمادی از رباعیات اصیل خیام را برای ترجمه بدست آورد، ابراز تأسف کرده<sup>۱</sup> و سپس در مورد معتبرترین نسخه رباعیات خیام به گفته سید سلیمان ندوی، استناد می‌کند که او گفته اصل آن نسخه در سال ۱۸۶۵ (ه) در تبریز نگارش یافته و دارای ۱۵۸ رباعی می‌باشد و در کتابخانه بودلین نگهداری می‌گردد<sup>۲</sup>. مترجم رباعیات خیام سپس به چهارده نسخه خطی دیگر موجود در جهان اشارت می‌کند و چنین می‌نماید که احتمالاً خود او آن نسخه را دیده بوده است.

تعداد رباعیات این نسخه‌ها متفاوت است، کمترین تعداد بر اساس ذکر مترجم رباعیات خیام ۱۴۳ رباعی است و در کتابخانه مملوکه سید سلیم صاحب - لاهور و ظاهراً نسخه‌ای دیگر با همین

۲- می‌گلفام، ص ۷۶.

۱- می‌گلفام، مقدمه، ص ۷۵.

تعداد رباعی در شهر پتنای هندوستان<sup>۱</sup> و نسخه دیگری با همین تعداد در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌گردد<sup>۲</sup> و در سال ۸۶۹ استنسخ گردیده و بیشترین تعداد ۸۰۱ رباعی است که در کتابخانه کیمبریج انگلستان وجود دارد و به سال ۱۱۹۵ (ه) نوشته شده است. درخور توجه این است که در استنسخ این نسخه‌ها هرچه به زمان ما نزدیکتر می‌شود بر تعداد رباعیات نسخه‌ها افزوده می‌گردد. پانزده نسخه دیگری که مورد بررسی مترجم سرائیکی خیام قرار گرفته به نقل خود او به این شرح است:

- ۱- نسخه قدیمی ایران سال ۶۰۲ (ه).
- ۲- نسخه قدیمی انگلستان که بوئن آن را ترجمه کرده، ۶۵۸ (ه).
- ۳- نسخه بابوگوری پرشاد سکینا، لکهنو، هندوستان (۸۲۶ ه) ۲۰۶ رباعی.
- ۴- نسخه پاریس، ۸۵۲ (ه).
- ۵- نسخه قسطنطنیه ۸۶۱ (ه).
- ۶- ایضاً ۸۶۴ (ه).
- ۷- نسخه کتابخانه بودلین ۸۶۵ (ه) ۱۵۸ رباعی.
- ۸- نسخه مملوکه سید سلیم لاهور ۸۶۸ (ه)، ۱۴۳ رباعی.
- ۹- نسخه کتابخانه ملی پاریس ۸۶۹ (ه).
- ۱۰- نسخه مملوکه سید نجیب اشرف ندوی ۹۱۱ (ه).
- ۱۱- نسخه کتابخانه ملی پاریس ۹۲۰ (ه) ۲۱۳ رباعی.
- ۱۲- نسخه اساسی چاپخانه کاویانی برلن ۹۰۰ (ه)، ۳۲۹ رباعی.
- ۱۳- ایضاً ۸۲۳- اف، اف، ۹۲- ۱۱۳، ۹۳۱ (ه)، ۳۴۹ رباعی.
- ۱۴- کتابخانه خاورشناسی پتنا، ۲- ۹۶۱ (ه)، ۶۱۳ رباعی.

---

۱- از این نسخه با نام: «نسخه مملوکه سید نجیب اشرف ندوی» یاد شده است.

۲- می‌گلفام ص ۷۶.





قزوینی اشارت دارد، مثلاً رباعیهای شماره‌های ۱۱ و ۳۶ آن نسخه را که به صورت زیر ضبط شده با هم می‌سنجد:

ای آمده از عالم روحانی تفت	حیران شده در پنج و چهار و شش و هفت
می خور چو ندانی از کجا آمده‌ای	خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت <sup>۱</sup>
در یاب که از روح جدا خواهی رفت	در پردهٔ اسرار خدا خواهی رفت
می نوش ندانی- از کجا آمده‌ای	خوش باش ندانی به کجا خواهی رفت <sup>۲</sup>

مترجم سرائیکی رباعیات خیام دربارهٔ این دو رباعی چنین اظهار عقیده می‌کند که تکرار کامل مصراع چهارم در این دو رباعی دلیل این است که باید آنها از دو شاعر مختلف باشد و بنابراین رباعی دوم حتماً از خیام نیست.

نیز رباعی‌های شمارهٔ ۸۷ و ۸۸ نسخهٔ فروغی را که به صورت زیر نقل گردیده و مضمون آنها تقریباً شبیه به هم است با هم مقایسه می‌کند:

گویند بهشت و حور عین خواهد بود	آنجا می و شیر و انگبین خواهد بود
گر ما می و معشوق گزیدیم چه باک	چون عاقبت کار چنین خواهد بود <sup>۳</sup>
گویند بهشت و حور و کوثر باشد	جوی می و شیر و شهد و شکر باشد
پرکن قدح باده و بر دستم نه	نقدی ز هزار نسیه خوشتر باشد <sup>۴</sup>

دکتر عبدالحق بر این باور است که با توجه به اینکه موضوع هر دو رباعی یکی است و ذوق و سلیقه نیز رباعی دوم را بر رباعی نخستین برتری می‌دهد، بنابراین رباعی نخستین که در نسخهٔ فروغی آمده از خیام نیست.

برای مترجم سرائیکی رباعیات خیام، قدرت زبان سرائیکی برای ترجمهٔ فارسی رباعیات اهمیت

۱- رباعیات خیام ج قزوینی ص ۷۳.

۲- مآخذ پیشین ص ۸۰.

۳- مآخذ پیشین ص ۹۲.

۴- مآخذ پیشین ص ۹۳.

خاصی دارد و بر این باور است که در هر زبان واژه‌ها به جامعه آن زبان تعلق دارند، در حالی که در جامعه دیگر آن نقش را ندارند، به باور او رابطه زبان سرائیکی با زبان فارسی چندان نزدیک است که در زبان ملی خود او یعنی اردو چنین نزدیکی‌ای وجود ندارد، همچنین نه تنها طبیعت این دو زبان یکی است بلکه بیشتر مواد واژه‌ها نیز مشترک است و حتی تصریف افعال نیز در هر دو زبان مشابه دیگری است و علاوه بر اینها هر دو زبان از جهت دستوری هم خاصیت اختصارسازی<sup>۱</sup> و ادغام مشترکی دارد<sup>۲</sup>. بدیهی است مشترکات یادشده در زبان سرائیکی و فارسی کار ترجمه را آسان می‌کند و سبب می‌گردد که در ترجمه اشعار، مفاهیم متن اصلی بیشتر و بهتر قابل انتقال باشد و همین نزدیکی زبانهای سرائیکی و فارسی باعث شده تا مترجم بتواند از عهده ترجمه مصرع به مصرع که البته خود کاری دشوار است، نیز برآید تا هم ترتیب مصرعها در ترجمه حفظ گردد و هم روح اصلی مفاهیم آسیب نبیند.

مترجم سرائیکی رباعیات خیام، خود را مقید ساخته تا به هنگام ترجمه رباعی به رباعی، بحر عروضی را نیز رعایت کند. اما انتخاب بحر اختصاصی برای رباعی دشوار می‌نموده زیرا کسرۀ اضافه فارسی در زبان سرائیکی کمتر استعمال دارد و بنابراین از میان بحرهای رایج بحری را که آهنگین نیز بوده انتخاب کرده که آن بحر متدارک مسجع است و البته خود را مقید ساخته تا در سراسر ترجمه خود از این بحر استفاده کند. لطف این کار این است که خواننده پس از خواندن سه چهارم رباعی، دیگر در خواندن رباعی‌ها اشکالی احساس نمی‌کند. بحر انتخاب شده هفت رکن به صورت زیر دارد:

فَعْلُنْ فَعْلُنْ فَعْلُنْ فَعْلُنْ فَعْلُنْ فَعْلُنْ<sup>۳</sup>

در ترجمه منظوم رباعیات خیام مانوس‌ترین بحر شعر سرائیکی نیز بکار گرفته شده که قبلاً هم بعضی آثار ادبی در این بحر سروده شده و این بحر یعنی دوهره<sup>۴</sup> معروف‌ترین قالب شعری زبان

#### ۱- Contraction

۳- می گلنام، ص ۹۴.

۲- می گلنام، ص ۹۳.

۴- «dohra»

سرائیکی همان بحری است که بیشتر شاعران مشهور سرائیکی ان را برای دوبیتی‌های سرائیکی بکار برده‌اند و این در حالی است که زبان ترجمه در این ترجمه منظوم در عین روانی، رساهم هست و با داشتن همه این اوصاف روح ترجمه نیز حفظ شده و با سرشت زبان سرائیکی همخوانی دارد.

بر روی هم و در یک ارزشیابی حساب شده و کوتاه باید گفت دکت‌ر مهر عبدالحق در ترجمه رباعیات خیام سبب گردیده تا ترجمه منظوم سرائیکی او به اصل خود بسیار نزدیک گردد<sup>۱</sup> و بنابراین در میان همه ترجمه‌های شبه قاره از امتیاز بالایی برخوردار باشد و همه اینها در حالی است که متن اصلی منتخب مترجم نیز یکی از نسخه‌های صحیح رباعیات خیام بوده است.

الیاس عشقی<sup>۲</sup> یکی از محققان ادبی پاکستان در سال ۱۹۷۲ در شهر ملتان درباره ارزش ترجمه دکت‌ر مهر عبدالحق، سخنی کوتاه و مزاح‌آمیز و پرمعنایی گفته که: «ترجمه دکت‌ر مهر عبدالحق زن زیبایی را ماند که وفادار نیز هست و او با ترجمه دقیق خود از رباعیات خیام این گفته مشهور را که ترجمه همانند زنی است که اگر زیباست وفادار نیست و اگر وفادار است، زیبا نیست، باطل گردانیده است»<sup>۳</sup>.

درباره ترجمه منظوم سرائیکی دکت‌ر مهر عبدالحق، آقای قاضی رازی یکی از منتقدان زبان سرائیکی مقاله‌ای به زبان سرائیکی نوشته<sup>۴</sup> و ضمن آن گفته است که خوب بود ترجمه رباعیات خیام در همان بحر خود رباعیات سروده می‌شد، در حالی که مترجم، ترجمه اشعار را در بحر متدارک مسجع سالم سروده که این موضوع از یک سو ضعف مترجم منظوم رباعیات به شمار می‌رود و از سوی دیگر، خود ناتوانی زبان سرائیکی را ثابت می‌کند و این در حالی است که به استناد «دوهره» ها یعنی

۱- مآخذ پیشین، ص ۷۰-۶۹.

۲- مدیر سابق رادیو پاکستان در شهر ملتان، شاعر زبان فارسی که مجموعه اشعارش به نام: «شعر آشوب» به چاپ رسیده است.

۳- می گلفام، مقدمه الیاس عشقی ص ۷۱.

۴- مجله سرائیکی ادب «ملتان، اکتبر ۱۹۴۷ ص ۱۷ تا ۲۴ تحت عنوان: نگاهی به می گلفام.

دوبیتی‌های خواجه غریب‌نواز ثابت شده‌است که زبان سرائیکی زبانی گسترده و قوی است.<sup>۱</sup> همچنین آقای قاضی رازی اعتقاد دارد که ترجمه سرائیکی آقای دکتر مهر عبدالحق زیبایی و قوت تألیف رباعیات خیام را ندارد و این موضوع بدان جهت است که شراب و کباب و مضامینی از این قبیل که در رباعیات خیام آمده، مضامینی خلاف مزاج و سرشت زبان و ادبیات سرائیکی محسوب می‌گردد<sup>۲</sup> و البته چنین مضامینی در این زبان وجود ندارد؛ منتقد رباعیات خیام بر این باور است که مترجم رباعیات خیام باید به جای ترجمه این اثر خیام ترجمه آثار شاعران دیگری می‌پرداخت که فاقد مفاهیم مربوط به شراب و کباب و از این دست مفاهیم است.

از انتقادهای دیگر او این است که در ترجمه سرائیکی رباعیات، پاره‌ای اغلاط دستوری و معانی و معانی و بیانی وجود دارد و نکات مربوط به تذکیر و تأنیث نیز در زبان ترجمه رعایت نشده است.<sup>۳</sup> همچنین فصاحت و بلاغت و شیرینی و سرمستی‌ای که در رباعیات عمر خیام وجود دارد، نیز در ترجمه سرائیکی وجود ندارد.<sup>۴</sup>

از داوریه‌های غیر علمی و متعصبانه دیگر آقای قاضی رازی یکی هم این است که چرا در ترجمه سرائیکی واژه‌های زیادی از فارسی و عربی<sup>۵</sup> آمده در حالی که این امری طبیعی و بدیهی است و در همه زبانهای شبه قاره حتی تا حدود ۶۰ درصد از واژه‌های فارسی استفاده شده‌است. گاه نیز ضمن ترجمه سرائیکی، کلمه‌هایی برای تکمیل وزن شعر آورده شده که معادل آنها در اصل رباعیات وجود ندارد.<sup>۶</sup> گاهی نیز ترجمه رباعیات فاقد وزن است<sup>۷</sup> و گاهی نیز قافیه آنها درست نیست مثلاً سر (به فتح) با سر (به کسر) قافیه شده‌است. گاهی نیز کلمه‌ای در یک مصراع تکرار شده<sup>۸</sup> و نیز گاهی

۱- مأخذ پیشین، ص ۱۸.

۲- مأخذ و صفحه پیشین.

۳- مأخذ پیشین، ص ۲۰.

۴- مأخذ و صفحه پیشین.

۱- مأخذ پیشین، ص ۱۷.

۲- مأخذ و صفحه پیشین.

۳- مأخذ پیشین، ص ۱۹.

۴- مأخذ پیشین، ص ۲۱.

کلمه‌ای بازاری و غیر ادبی در ترجمه بکار گرفته شده است<sup>۱</sup>  
بر روی هم باید گفت داوریهای آقای قاضی رازی تا اندازه‌ای تعصب‌آمیز و در مواردی هم نیز غیر علمی است.

ترجمه دیگر رباعیات خیام در زبان سرائیکی، شهکار نام دارد که پیش از ترجمه دکتر عبدالحق وسیله یک شاعر معروف پاکستانی به نام عبدالعزیز نشتر غوری<sup>۲</sup> از سوی آکادمی «سرائیکی ادبی مجلس» در شهر بهاولپور پاکستان در سال ۱۹۷۱ انتشار یافته است و این فضل تقدم ترجمه رباعیات خیام به زبان سرائیکی همیشه برای او محفوظ است. در این ترجمه منظوم حدود ۷۸<sup>۳</sup> رباعی از خیام ترجمه شده که هر رباعی خیام روی یک صفحه تنظیم گردیده و ترجمه تحت‌اللفظی نبوده و فقط می‌خواسته معنا را بخوبی به خواننده انتقال دهد و بنابراین ترجمه‌ای آزاد است که گاه نیز از معنای اصلی فراتر رفته است. نکته دیگر در این ترجمه این است که بر خلاف دکتر عبدالحق که ترجمه منظوم همه رباعیات را فقط در یک بحر عروضی سروده بود، او از بحور گوناگون استفاده کرده است. متن رباعیات خیام در ترجمه منظوم نشتر غوری، برخلاف ترجمه عبدالحق از هر نسخه بدلی خالی است.

لازم به یادآوری است که ترجمه رباعیات خیام به زبان سرائیکی علاوه بر دو ترجمه منظوم مستقل یادشده، باز هم به صورت پراکنده در پاکستان رواج داشته است. مثلاً به عنوان نمونه می‌توان

۱- مأخذ پیشین، ص ۱۱۱.

۲- نشتر غوری دانش‌آموخته دانشگاه پنجاب بود، نیاکان او در قرن دوازده میلادی به همراه سلطان شهاب‌الدین غوری از غور افغانستان به دهلی آمده بودند و ابتدا در تونک و از قرن گذشته در بهاولپور مستقر گردیده بودند (نقل از مقدمه انگلیسی کتاب شهکار).

۳- نخستین چاپ ترجمه فیتزجرالد (Edward Fitzgerald) هم در اروپا که به سال ۱۸۵۹ انجام گرفت فقط شامل ۷۵ رباعی بود و این نزدیکی تعداد رباعیات محل تأمل است.

از ترجمه منظوم سرائیکی دکتر ایاز احمد<sup>۱</sup> یاد کرد. کتاب او «دهیر بر ساتال دی بعد»<sup>۲</sup> یعنی: «بعد از باران زیاد» نام دارد که در آن منتخبی از اشعار سه شاعر به شعر سرائیکی ترجمه شده است و آن سه شاعر عبارتند از: فیض احمد فیض، احمد فراز، عمر خیام. در این کتاب فقط پنج رباعی<sup>۳</sup> از خیام نقل شده که ترجمه سرائیکی هر رباعی در زیر آن آمده است.

---

۱- دکتر ایاز احمد طیب سنتی و در حال حاضر مقیم صادق آباد از توابع بهاولپور پاکستان و از علاقه‌مندان به زبان فارسی است. به زبان سرائیکی شعر می‌سراید و می‌تواند اشعار اردو را به شعر سرائیکی بروانی ترجمه کند. در ملاقاتی که با او دست‌داد می‌گفت: دیوان خواجه فرید را خوانده و دیوان حافظ و رباعیات خیام را کم ولی خوب به زبان سرائیکی و منظوم ترجمه کرده است. او در سالهای ۹۰ تا ۹۲ دبیر آکادمی «انجمن ادبی سرائیکی» بوده است.

۲- دهیر برساتان دی بعد، منتخب کلام: فیض، فراز، عمر خیام، منظوم سرائیکی ترجمه دکتر ایاز احمد ایاز.

۳- ر.ک. مأخذ پیشین ص ۵۸.